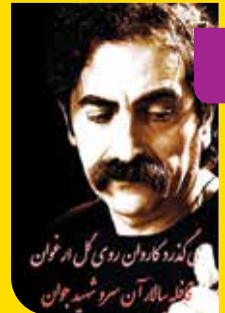


کاروان شهید



■ نام خواننده: شهرام ناظری
■ نام شاعر: محمد ذکائی
■ موزیک: محمدرضا لطفی

کاروان شهید نام یک تصنیف از ساخته‌های لطفی است که اولین بار با آواز ناظری اجرا و در آلبوم چاووش ۸ گنجانده شد. این تصنیف که در اوایل جنگ ساخته شد، فضایی حماسی دارد و به عنوان «بهترین تصنیف جنگ» توصیف شده است. شاعر شهیدی را که جانانه برای کشورش جنگیده از جان خود مایه گذاشته است، اکنون به مانند خورشیدی که تابیده است وصف می‌کند و او جادوان می‌خواند که نام و یادش تا ابد زنده است.

کجایید ای شهیدان خدایی



■ خواننده: بیژن کامکار
■ شاعر: مولانا
■ سال انتشار: ۱۳۵۸

کجایید ای شهیدان خدایی نام یک قطعه موسیقی از ساخته‌های هوشنگ کامکار با غزلی از مولانا است. این قطعه در سال ۱۳۵۸ بر اساس شعری از مولوی ساخته شد. اولین اجرا و ضبط این اثر توسط ارکستر سمفونیک تهران انجام شد. در سال ۱۳۶۰ نیز این اثر با صدای «شهرام ناظری» منتشر شد. همچنین در سال ۱۳۹۳ ارکستر موسیقی تهران به رهبری نادر مشایخی این اثر را با خوانندگی عبدالحسین مختاباد اجرا کرد.

کربلا کربلا



■ خواننده: اکبر شریعت
■ شاعر: اکبر شریعت
■ سال انتشار: ۱۳۶۳

اکبر شریعت که خود یکی از رزمندگان دوره دفاع مقدس بوده و برادرش را نیز در جنگ تحمیلی از دست داده، نوحه «کربلا کربلا» را در سال ۱۳۶۳ خوانده است. این نوحه در آن مقطع به دلیل شیوه خواندن و نوع شعر اتفاقی نو محسوب می‌شد. البته فیلمی که از نوحه‌خوانی اکبر شریعت منتشر شده به صورت اتفاقی ضبط شده است. فیلم اجرای نوحه «کربلا کربلا» در برنامه «روایت فتح» ساخته شهید آوینی به روی آنتن تلویزیون رفت و اینگونه بود که شنیده شد و مورد توجه مردم قرار گرفت.



کو جهان آرا؟

ممد نبودى به یكى از پرخاطره‌ترین نواهای جمعی ایران بدل شده است

با مقاومت دلیرانه‌ی مردم خرمشهر و رشادت بزرگانی چون «محمد جهان آرا» مواجه و مجبور شدند، بخش زیادی از توان نظامی خود را در این نقطه به کار گیرند و برای ماه‌ها زمین گیر شدند؛ پایداری ۴۲ روزه «محمد جهان آرا» و ۴۰۰ تن از همزمانش با امکانات بسیار بدوی در مقابل ارتش مسلح و مجهز عراق برای همیشه در تاریخ این سرزمین ماندگار است. محمدعلی جهان آرا پس از سقوط خرمشهر به سپاه اهواز منتقل شد و در عملیات شکستن محاصره آبادان نقش فعالی داشت. وی هشت ماه پیش از آزادی غرورآفرین زادگاهش، روز ۷ مهر ۱۳۶۰ در سانحه هواپیمایی C۱۳۰ اهواز - تهران در منطقه کهریزک به شهادت رسید، در حالی که یک

که به دیوار یکی از منازل بندر برخورد کرد. جیب فرماندهی پشت سر، به طرف بلوار دنده عقب گرفت با مشاهده عقب‌نشینی تانک، بلند شدم و داد زدم: الله اکبر، الله اکبر، ... حمله کنید؛ که دشمن پا به فرار گذاشته بود...» این‌ها را «محمد جهان آرا» تعریف کرده است از آن روزهای نبرد خونین. جریان از این قرار بود که نیروهای رژیم بعث عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ خرمشهر را زیر آتش گرفتند و مطمئن بودند که با دو گردان نیرو، ظرف مدت ۲۴ ساعت خواهند توانست آن را به تصرف خود درآورند و بعد از آن از طریق پل ذوالفقاریه به آبادان دسترسی پیدا کنند و در فاصله کوتاهی به اهواز رسیده و خوزستان را جدا کنند، اما متجاوزان

سما بابایی روزنامه نگار

«امیدی به زنده ماندن نداشتیم. مرگ را می‌دیدیم. بچه‌ها توسط بی‌سیم شهادتنامه‌ی خود را می‌گفتند. صحنه خیلی دردناکی بود. بچه‌ها می‌خواستند شلیک کنند، گفتیم: ما که رفتنی هستیم، حداقل بگذارید چند تا از آنها را بزنیم، بعد بمیریم. تانک‌ها همه طرف را می‌زدند و پیش می‌آمدند. با رسیدن آنها به فاصله ۱۵۰ متری دستور آتش دادم. چهار آرپی جی داشتیم، با بلند شدن از گودال، بچه‌ها اولین تانک را زدند. دومی در حال عقب‌نشینی بود